

ادامه از صفحه اول

## درباره طرح اتهام به مستولان

ممکن است با مداخله دیگران، چنین مجادلاتی ختم به خیر شده و پرونده بسته شود. اما پرونده در افکار عمومی بسته نخواهد شد. از این‌رو، ضرورت دارد این‌گونه اتهام‌زنی‌ها، حتی اگر طرفین با فرستادن صلوات‌کار را تمام‌شده تلقی کنند، در محاکم قضائی رسیدگی شده و نتایج آن به افکار عمومی ارائه شود. به بیان دیگر، مردم به‌عنوان صاحبان اصلی جامعه و ولی‌نعمت مقامات مسئول، حق دارند درباره چنین پرونده‌هایی بی‌رسند و توقع پاسخ شفاف و روشن البته سریع داشته باشند. به نظر می‌رسد باوری نادرست بین برخی متولیان امر رایج است که اعلام اخبار مربوط به تخلفات مستولان و محکومیت برخی از این افراد را موجب خدشه‌دارشدن اعتماد عمومی می‌دانند و همواره توصیه می‌کنند چنین رسیدگی‌هایی در صورت ضرورت، محرمانه انجام بگیرد و به‌اصطلاح آبروداری شود. رسیدگی به پرونده‌های مفاسد اقتصادی پشت درهای بسته و اعلام‌نشدن اسامی متهمان که در سال‌های گذشته بارها و بارها شاهد آن بوده‌ایم، ریشه در این باور دارد. حداقل هزینه و خسارت این تفکر، این است‌که اعتبار دستگاه قضائی کشور را در عرصه افکار عمومی زیر سؤال می‌برد؛ زیرا مردم می‌پندارند خواص و شهروندان درجه‌یک از نوعی مصونیت برخوردار هستند. در واقع مهم نیست که چنین تصویری تا چه میزان درست یا نادرست است، بلکه صرف رواج آن در جامعه، خسارتی بزرگ تلقی می‌شود. مردم حق دارند بدانند کدام مدیر ارشد پاکدست و امانت‌دار بوده و کدام‌یک همتی در مسیر حفظ امانت به کار نبرده است. مردم حق دارند بدانند کدام سخنور، حرف بی‌حساب می‌زند و اتهام بیجا به رقبای سیاسی خود وارد می‌کند و کدام‌یک از برزبان‌آودن کلام بی‌غوا یا دارد.گفتنی است در اواسط دهه ۷۰، رئیس وقت قوه قضائیه در پاسخ به برخی روزنامه‌نگاران که معترض به رسیدگی نکردن به اموال مقامات بودند، اعلام کردند این رسیدگی همه‌ساله بدون مماشات انجام گرفته و می‌گیرد و قوه قضائیه در انجام وظیفه خود کوتاهی نکرده است. معنای این سخنان این بود که لازم نیست نتایج این‌گونه بررسی‌ها به افکار عمومی ارائه شود، مهم این است که تخلفی اتفاق نیفتد، اما اگر هم افتاد، نهادهای ناظر رسیدگی می‌کنند. این نگرش در سال‌های گذشته لطمه سنگینی به اعتماد عمومی وارد کرده است؛ تا این حد که گروهی از شهروندان که متأسفانه تعدادشان روزبه‌روز در حال افزایش است، رسیدگی به پرونده تخلفات افراد قدرتمند و متنفذ را چندان جدی تلقی نمی‌کنند. چند روز پیش خبر محکومیت سنسگین فوتبال کشورمان به پرداخت جریمه‌ای بزرگ به مربی سابق تیم ملی رسانه‌ای شد و ناظران را مبهور کرد. در این پرونده نیز افکار عمومی منتظر خواهند ماند تا نهادهای ناظر تصمیم به رسیدگی بگیرند. خسارت این شیوه رسیدگی و اطلاع‌رسانی، هرچند با هدف خیر انتخاب شده باشد، به‌مراتب بیشتر از خسارت مستقیم تخلف‌ها و حیفومیل اموال عمومی است.توصیه می‌شود ضمن تسریع در رسیدگی به این پرونده‌ها، درصدد اصلاح شیوه اطلاع‌رسانی به افکار عمومی و اقعاع صاحبان واقعی کشور که شهروندان صاحب حق «دانستن» هستند، برآیند.

گفت‌وگو با احسان شریعتی

# راه دموکراسی‌سازی

احسان شریعتی فلسفه‌پژوه و استاد دانشگاه است. او فارغ‌التحصیل رشته فلسفه از دانشگاه سوربن فرانسه است و سابقه تدریس در کلاس‌های آزاد مؤسسه پرشس را دارد. شریعتی همچنین مدتی به‌عنوان استاد مدعو در گروه فلسفه دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران تدریس می‌کرد. از او تاکنون آثاری ازجمله «فلسفه هایدگر و قرانت ایرانی آن»، «فلسفه خودی در اندیشه اقبال لاهوری»، «فلسفه سیاسی فارابی، شرح رساله سیاسیة‌المدنیة»، «نئندیشیده‌مانده‌های فلسفی اندیشه معلم شریعتی» و... منتشر شده است. شریعتی در این گفت‌وگو تصریح می‌کند که برای نیل به بدیل وضع موجود، باید مسولانه برخورد کنیم. به عقیده او، تجربه تاریخی نشان داده ممکن است به حالت بدتر هم کشیده شویم. پس برای اینکه این‌طور نشود ما باید این تضمین را بدهیم که ما می‌توانیم یک بدیل درست بسازیم. در این زمینه، او از کنش‌های کوچک جمعی در فرایندی گام‌به‌گام سخن می‌گوید. در این مصاحبه که با همکاری مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی انجام شده است، در این مصاحبه پرسش‌ها حذف شده است.

### جنبش مشروطه ترجمه قانون اساسی است

اولا خود مفهوم مشروط‌کردن که شما به کار می‌برید یکی از سوءتفاهم‌هایی است که ممکن است پیش بیاید. واژه عربی مشروطه به معنای محدودکردن حکومت مطلقه است. شاید به خاطر همین هم این جنبش را این‌گونه نام گذاشتند. درحالی‌که در اصل جنبش مشروطه ترجمه جنبش Constitutional یعنی قانون اساسی یا کنستیتوسیون است. درواقع باید گفت «شارتر» فرانسوی یعنی قرارداد و معاهده یا منشور اساسی. جنبش مشروطه جنبشی است نه فقط برای مشروط‌کردن قدرت که برای بازتاسیس آن و نه فقط ادامه آن سنتی که همیشه داشته‌ایم و وزرای صالح و خیر و مصلحت‌اندیشی که همیشه در تاریخ ایران این نقش را داشتند که اصلاحاتی انجام دهند و پیرایش و بهینه‌سازی نظام‌ها کنند و خانواده‌هایی چون برمکی و نوبختی ... تا سنت امیرکبیر و قائم‌مقام و دکتر مصدق و... البته بعد توسط قدرت‌های مطلقه قربانی می‌شده‌اند. همان درک از مشروط‌کردن قدرت که در سیاست‌نامه‌ها خود را نشان می‌دهد.

### سه منبع تاریخ اندیشه سیاسی ایران: سیاست اخلاقی، مباحث فقهی و فلسفه سیاسی

می‌دانیم که ازمنظر اندیشه سیاسی ما در تاریخ خود سه منبع سیاسی داریم؛ یکی سیاست اخلاقی در سنت نصابح‌الملوک و مرآت‌الملوک و... که اخلاق قدرت آموزش داده می‌شود و در پوشش پندواندزهایی که از گذشتگان به آیندگان منتقل شود و این فرق دارد با آن «سیاست اخلاقی»‌ای که ما به‌دنبالش هستیم به معنای اینکه اخلاق و سیاست در اصل چه نسبتی باید با یکدیگر داشته باشند در دوره جدید پساماکیاوولی که نسبت میان این دو گسسته است. دیگر بحث فقهی سیاست است؛ مانند «حکام‌السلطانیة»‌ی ماوردی یا بحث‌های ولایت در متون منابع شیعه که راجع به سیاست از منظر حقوق و فقه و علم اصول دینی صحبت می‌کنند به‌معنای «ولایتی» که علما به‌طورکلی در تشیع در دوران غیبت و در امور «حسیبه» دارند. یا حتی خلافت به مفهوم جانشینی پیامبر که مسئله سیاسی در تفکر اسلامی ایجاد می‌کند که پس از پیامبر چه نظامی چگونه ساخته می‌شود؟ و اسلام چه نظام متفاوتی از امپراتوری‌های می‌سازد. بحث خلافت و دوره قننه مطرح می‌شود، سرنوشت سیاسی اسلام رقم می‌خورد و بعد اینها در بحث‌های فقهی منعکس می‌شود. سوم هم فلسفه سیاسی است. فلسفه سیاسی درواقع تأسیس نظام می‌کند. مثل فارابی که در آرای مدینه فاضله یا

## سیاست



عکس: سید علی حسینی

نبوده؛ بلکه می‌تواند در شکل‌های ایدئولوژی‌های مدرن هم صورت بگیرد. خود مدرنیسم بورژوازی یا مثلا چپ اقتدارگرا و استالینی در خیلی از کشورها به زور وارد شد و حتی گاهی - در نمونه کامبوج- فاجعه هم آفرید یا با خشونت توانست در روسیه، چین و خیلی کشورهای دیگر در مقابل فرهنگ‌های سنتی بایستد و آنها را از نظر صنعتی متحول کند؛ ولی این پیشرفت‌ها از نظر ساختار سیاسی، غیردموکراتیک و غیرآزادی‌خواهانه بود.

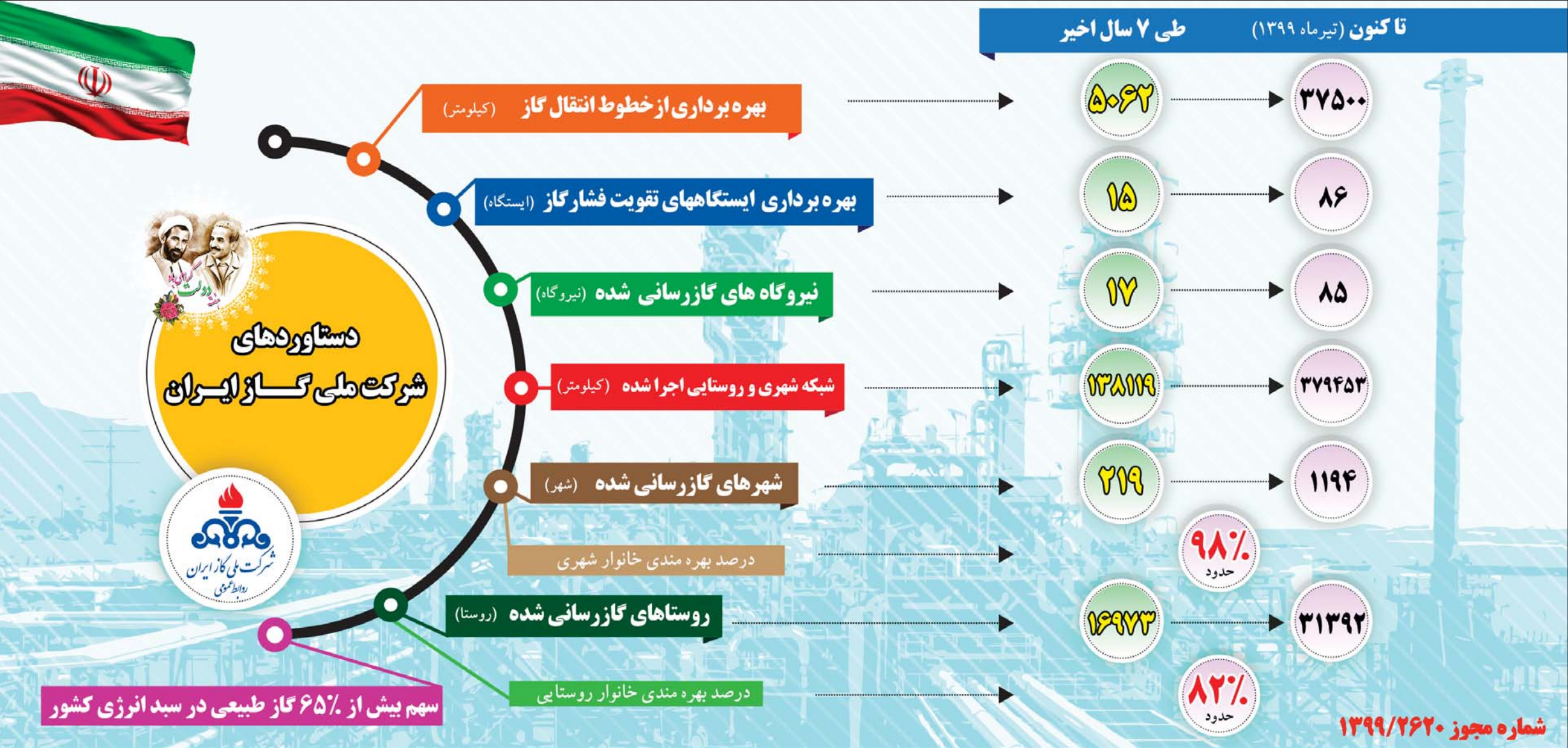
### مشکل اساسی در عصر مشروطه، قانون بی قدرت بود

این اقتدارگرایی و استبداد می‌تواند اشکال مختلف داشته باشد: منورالفکرانه، متحجرانه، سنتی یا مدرن باشد. خودش یک مقوله است؛ اما پرسش این است که آیا جنبش مشروطه‌خواهی در ایران توفیق داشت یا نه؟ یکی از مشکلات ما این بوده است که نظام قانون، قدرت نداشته است. به قول باسکال، فیلسوف فرانسوی، یا قدرت بی‌قانون داریم یا قانون بی‌قدرت. هر دوتا بد است. یک مشکلی که ما داشتیم، این بود که نیروهای قانون‌گرا قدرت نداشتند. حاکمیت قانون قدرت نداشت و قدرت به قانون منضبط نبوده است، بنابراین این بحث مطرح بوده که مثلا دولت مصقق آیا باید قدرت می‌داشت یا نه؟ مثلا با قدرت جلوی کودتا می‌ایستاد و واقعیت‌انظر عقلانی همین است ک باید قدرت می‌بود و بسا قدرت جلوی قدرت‌گرایایی و قدرت‌گرایان استادگی می‌شد. حال اینکه نشد، باید تحقیق و پژوهش بشود که چرا نشد؟ شاید اختلافات عمیق در درون جنبش بوده یا هر دلیلی بوده که این کار انجام نشده است. به‌هرحال نشانه یک ضعف است که نیروهای دموکراتیک نتوانستند حاکمیت قانون در ایران را محقق کنند. یکی از دلایلش قدرت‌های خارجی (استعمار) بوده‌اند.

### ردپای استعمار در ناکامی تلاش‌های جمعی ایرانیان غیرقابل چشم‌پوشی است

این هم یک پارامتر است که در تحلیل‌های غربی شکل‌نگرفتن دموکراسی‌ها و آزادی در کشورهای خاورمیانه و شرقی و آسیایی نادیده گرفته می‌شود. که یکی از پارامترهای این امر خود آن قدرت‌ها بودند. قدرت‌های استعمارگری که نظام وابسته‌ای را که می‌خواستند، به‌زور حاکم می‌کردند. پشت همین کودتاهای سریالی که از ایران شروع شد و در شبلی و در جاهای دیگر هم اتفاق افتاد، نقش آمریکا را نمی‌توان نادیده گرفت یا قبلیش که انگلیس در همه‌جا در همه اختلافات و تضادهایی که در هند و سرزمین‌های زیر استعمار خودش داشت، آن چیزی را که برای خودش حاکم بود، برای آنها نمی‌خواست و از نیروهای حتی غیردموکراتیک استفاده می‌کرد یا خود غرب گاهی یک بی‌ش‌های نژادی و امثال آن را به شرق یا جنوب منتقل می‌کرد. چنان‌که در آفریقا بینش‌های برتری نژادی را منتقل کردند و بعضی از قبایل در همین جریانات کشتارها در اوکاندا، بینش‌های غربی را سرلوحه خود داشتند. در تحلیل‌های‌شان می‌شنیدم که مثلا چگونه یک قبیله خودش را از بقیه برتر می‌بیند. مثل یهودی‌ها که بعدا صهیونیسم آمد و یک ایدئولوژی مدرن درست کرد و گفت یهودی‌ها نسبت به عرب‌ها برترند و مسئله‌ای را به وجود آورد؛ درحالی‌که قرن‌ها یهودی‌ها با مسلمان‌ها زندگی می‌کردند و هیچ مسئله نژادی یا مذهبی با خودشان نداشتند. آن‌چنان‌که در غرب بود و در آسیایا سرکوب بهود پیش آمد؛ ولی در دوره جدید آنچه پیش آمد، به این دلیل بود که ایدئولوژی‌های جدید غربی رفتند و اقتدارگرایی‌های خاصی ایجاد کردند.

ادامه در صفحه ۹



تزیق گاز به مخازن ذخیره سازی سراجه در قم و شوریجه در سرخس

سومین تولید کننده گاز طبیعی در جهان با ظرفیت پالایش بیش از ۱۰۳۰ میلیون متر مکعب گاز طبیعی در روز

صادرات گاز طبیعی به کشورهای ترکیه، آذربایجان، ارمنستان و عراق